

## تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران

۱۲۱۵ ۵ ۱۳۵۷ شمسی

اگر عدد «۱۳» و «دخالت قوای دیگر در امر مطبوعات» را نحس به حساب آوریم می‌بینیم که مطبوعات در ایران با اولی شروع شد و با دومی قرین گشت. و چون مسئله سانسور را از زمانی که روزنامه هنوز در گهواره بود به آن اضافه کنیم، مصیبت بزرگی را که در طول یک قرن و نیم دامنگیر مطبوعات و نویسندگان آن بوده است به راحت درک می‌کنیم.

هدد سیزده به این سبب آورده شد که نخستین روزنامه ایرانی، و نه اولین روزنامه فارسی،<sup>۲</sup> اوائل سده سیزدهم شمسی پا به عرصه وجود گذارد. و عامل دوم یعنی «دخالت قوای دیگر» از این رو که چون روزنامه‌های اولیه در این کشور به خواست دولت و بدست دولتیان خودنمایی کرد، تصور لزوم نظارت دولت بر کار مدیران و نویسندگان، رفته رفته شکل ضرورت و سنت به خود گرفت. نخستین سانسور هم اتفاقاً به امر پادشاه وقت<sup>۳</sup> «لزوم» مزبور را دوچندان قوت بخشید.

از حدود سال ۱۳۲۲ که ترجمه و خبرنگاری را شروع کردم<sup>۴</sup> به این فکر افتادم آرشیوی برای خود ترتیب دهم. چند دلیل از جمله نداشتن جای لازم جهت نگهداری آنها از همان اوان سد راهم شد. دو سه سال بعد که «مدرسه روزنامه نگاری لندن» را دیدم آموختم چگونه می‌توان برای روزنامه و مجله فیش تهیه نمود. چنین کردم و ادامه دادم: نه فقط برای مطبوعات روز، بلکه برای گذشته‌ها هم.

رفته رفته عاشق کارم شدم. چرا که می‌کوشیدم به هر دوره و نسخه ممکن دست یابم و با چشم به بینم. بر اساس این علاقه با تأکید می‌گویم اگر دیوانه‌ای وجود داشته باشد که روزنامه‌ها و مجلات قابل دسترسی را ورق زده باشد - فقط ورق زده باشد زیرا عمر انسان تکافوی خواندن همه را نمی‌دهد - آن یک نفر من هستم. نتیجه کار در طول چهار دهه اخیر داشتن آرشیوی است با حدود هشت هزار فیش، چه درباره مطبوعات و احزاب، چه راجع به حوادث و وقایعی که بر سر آنها و نویسندگان آمده و چه مربوط به لغات و اصطلاحات روزنامه نگاری فارسی.

عمر اگر کفاف دهه آنچه را که تنظیم کرده‌ام و بیش از نود درصد کار پایان گرفته «فرهنگ مطبوعات و احزاب ایران» را آماده چاپ می‌سازم. وگرنه ادامه کار را به فرزند ارشدم، سمیه، وامی‌گذارم تا چرکنویس را تقدیم کند. شاید روزی، روزگاری، دانشگاهی همت کند، پژوهندگان مطبوعات را گرد هم آورد که تاریخ مطبوعات ایران را بطور کامل پرشته تحریر کنند: تاریخی که از هر حیث مورد لزوم

است و تاکنون چند نفر گام‌هایی در راه آن برداشته‌اند که شادروان محمد صدر هاشمی با کتاب چهارجلدی‌اش از همگان پیشی دارد.<sup>۵</sup>

دنیای ما دنیای آمار و ارقام است. هر چیز را محاسبه می‌کنند. کم و کاستش را تعیین می‌نمایند و آنگاه به داوری می‌نشینند. این واقعیت، با توجه به دو کتابی که در گذشته راجع به مطبوعاتمان تألیف کردم<sup>۶</sup> مرا بر آن داشت به روزنامه‌ها و مجلات از دید آماری نگاه کنم و براساس آرشیموم - که مسلماً هنوز کامل نیست - به تجزیه و تحلیل آنها پردازم و ببینم مثلاً ما چند روزنامه داشته‌ایم؟ چه سال‌هایی شروع شده‌اند؟ در چه سال یا دوره‌ای خودنمایی کرده‌اند؟ تا چه حد سانسور شده‌اند؟ چند تا توقیف شده‌اند؟ چه سبکی داشته‌اند؟ ارگان چه احزابی بوده‌اند؟ و امثال این پرسشها.

این آمارها شاهد وقایع سیاسی و اجتماعی است که در مملکت‌مان روی داده و اسناد روشنی در اثبات نقش مطبوعات در ایجاد و کشش این نوع جریان‌هاست. شاهد رشد و پیداری آرام جامعه، شاهد مقابله کابینه‌ها با مردم، شاهد وجود و عدم آزادی بیان و حضور سانسور و شاهد بسیاری مطالب دیگر که تحریر و قلم‌زنی درباره آنها وظیفه استادان جامعه‌شناسی و مورخان زبردست و موشکاف است. از عهده این کم‌بضاعت بر نمی‌آید.

در این رساله که از نظر تان می‌گذرد دوران نزدیک به یک قرن و نیم مطبوعات در پنج قسمت منظور گردیده به این شرح: اول، آغاز تا مشروطیت. دوم، مشروطیت تا پایان سده سیزدهم شمسی. سوم، بیست سال اول سده چهاردهم. چهارم، سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۲ و پنجم، دوره آخر یعنی شهریور ۱۳۳۲ تا پایان سال ۱۳۵۶. پس از یک نگاه عمومی به کل دوران، مختصات آماری هر یک از ادوار پنجگانه از نظر می‌گذرد و آنگاه به چند نکته اشاره خواهد رفت.

### کلیات

در طول قرن سیزدهم ۷ طی فقط ۵۱ سال آن روزنامه جدید منتشر شد. به کلامی دیگر در ۴۹ سال آن که اکثراً تا دهه ششم قرن به درازا می‌کشید هیچ نشریه تازه‌ای ظاهر نگردیده ولی قدیمی‌ها کم و بیش انتشار داشته‌اند. برای قرن چهاردهم نیز، چنانکه گذشت، تا آخر سال ۵۶ منظور گردیده و درحقیقت آنچه می‌خوانید مربوط است به ۱۰۷ سال. اما با توجه به سال انتشار نخستین روزنامه در ایران، این مطالعه سالهای ۱۲۵۷-۱۲۱۵ یعنی یک دوره ۱۴۲ ساله را از نظر مداومت در برمی‌گیرد که این محاسبه صحیح‌تر است.

در این تقریباً یک قرن و نیم ۴۳۷۶ نشریه به سلك مطبوعات درآمدند که طبعاً همه آنها از نظر سبک، فاصله و طول مدت انتشار، محل و زبان و همچنین محتوی همسان نبوده‌اند. چه بسا طلوع نکرده غروب کرده‌اند. نظیر آنهایی که فقط به چاپ طلیعه توفیق یافتند یا آنهایی که یک یا چند شماره به جای روزنامه دیگر ظاهر شدند ۱۵ آنهایی که با تیغ سانسور پاره‌پاره گشتند. آنهایی که ارگان احزاب و

دستجات بودند و با جمع شدن حزب و گروه به خاموشی گرائیدند. مطبوعات خلق الساعه‌ای که به سبب خاص مدتی روی بساط روزنامه‌فروش‌ها به خریدار چشمک زدند. آنهایی که مدیر و ناشرشان یا به امر دولت در باغشاه تهران با طناب خفه شدند ۱۱ یا به دستور کنسول روس در اورمی (رضائیه) روی برف و در ملاء عام فلک شدند ۱۲ یا به فرمان کنسول انگلیس در پوشهر لخت و پتی از حمام بیرون کشیده شده کتک‌خوران از شهر تبعید گردیدند ۱۳ و یا به دست عمال يك حزب جلوی چاپخانه خود ترور گشتند ۱۴.

در يك تقسیم‌بندی کلی، سوا از مطبوعات منتشره در خارج از کشور ۳۱۷۳ عنوان به صورت روزنامه و ۱۳۴۶ عنوان در هیئت مجله انتشار یافته‌اند ۱۵ ردیف اول از نظر فاصله انتشار به هشت گروه تقسیم می‌شود. به این ترتیب:

روزانه	۴۱۸ عنوان	يك شماره در ماه	۱۶ عنوان
دو شماره در هفته	۲۱۴ عنوان	دو شماره در ماه	۶۷ عنوان
سه شماره در هفته	۸۱ عنوان	سه شماره در ماه	۱۲ عنوان
چهار شماره در هفته	۴ عنوان	هفته‌نامه	۲۳۶۵ عنوان

در ردیف مجلات، تعداد گروه هفت است. به این شرح:

مجله هفتگی	۲۳۴ عنوان	مجله ماهانه	۶۱۵ عنوان
مجله دو شماره در هفته	۷ عنوان	فصلنامه	۳۷۴ عنوان
مجله دو هفتگی	۶۲ عنوان	فصلنامه دو شماره در سال	۱۹ عنوان
مجله سه شماره در ماه	۳ عنوان	سالنامه	۲۴ عنوان

ضمناً متفرقه هفت عنوان منظور می‌شود ۱۸ در همین مدت طولانی تعداد اسامی مؤسس، صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر ذکر شده در مطبوعات به ۵۱۶۵ نفر می‌رسد. این رقم شامل مدیران داخلی و یا دبیر، خبرنگار، نویسنده، مترجم و امثال آن نمی‌گردد. تهیه چنین آماری لازم و عملی نیست. برای مثال فقط ذکر می‌کنم که «ستاره» جمعه‌ها را يك نفر اداره می‌کرد در حالی که خانواده مطبوعاتی «مؤسسه کیهان» در سال ۱۳۵۶ در سراسر کشور بالغ بر ۵۰۰۰ نفر بود.

تفکیک مطبوعات از نظر سبک و مندرجات کاری مشکل است. نخست به این دلیل که زیر بعضی از سرلوحه‌ها می‌خوانیم: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، فکاهی. حال آنکه مندرجات آن‌ها به يك یا دو موضوع محدود می‌شود. دوم آنکه تغییر جهت و سبک تعداد زیادی از آنها سد راه است. داشته‌ایم روزنامه‌ای که چند شماره جنبه سیاسی و روزانه داشته اما ناگهان راه عوض کرده و به يك نشریه شعر و ادب هفتگی مبدل شده است.

تقسیم‌بندی محتوای مطبوعات به شکل و رده‌بندی‌های گوناگون امکان‌پذیر است. ولی در اینجا مندرجات به ۱۶ گروه کلی تقسیم شده و تعداد عنوان‌ها برحسب هر يك از اجزاء این گروه‌بندی به ترتیب حروف الفبا به این شرح است:

عنوان ۱۰۲	علمی/فنی	عنوان ۷۶۵	اجتماعی
عنوان ۲۴۳	فرهنگی/آموزشی	عنوان ۲۳۰	ادبی/تاریخی
عنوان ۱۰۴	فکاهی	عنوان ۹۳	اقتصادی/مالی
عنوان ۵۰	کشاورزی	عنوان ۱۴۹	پزشکی/بهداشتی
عنوان ۳۵	ورزشی	عنوان ۲۶	حقوقی/قضائی
عنوان ۸۸	هنری	عنوان ۱۲۴۹	خبری
عنوان ۹۷	متفرقه	عنوان ۱۴۲	دینی
		عنوان ۱۱۰۰	سیاسی

روشن است که همه نشریات به فارسی نبوده. غیرفارسی‌ها زیر هفت پوشش جدا از هم و گاه چند زبان با هم قرار می‌گیرند. يك، لهجه‌های محلی و زبان اقلیت‌های مذهبی. دو، فارسی و یکی از اینها، سه، سایر زبانها که کلا خارجی به حساب می‌آیند. چهار، مطبوعات دوزبانی و بیشتر که یکی از آنها فارسی است. پنج، دوزبانی خارجی، شش، چندزبانی و هفت، متفرقه. حال به بینیم تعداد عنوان‌ها برحسب گروه‌بندی مورد نظر به ترتیب الفبا چیست؟

عنوان ۱	فارسی/پشتو	عنوان ۱۹	آذری
عنوان ۴	فارسی/کردی	عنوان ۴	آشوری
عنوان ۱۲	فارسی/عربی	عنوان ۵۲	ارمنی
عنوان ۳	فارسی/عبری	عنوان ۱۸	کردی
عنوان ۴	فارسی/روسی	عنوان ۳	عربی
عنوان ۹	فارسی/فرانسه	عنوان ۱	عبری
عنوان ۵۲	فارسی/انگلیسی	عنوان ۱	آلمانی
عنوان ۱	فارسی/انگلیسی/اردو	عنوان ۵۲	انگلیسی
عنوان ۱	فارسی/انگلیسی/عربی	عنوان ۲	روسی
عنوان ۲۳	فارسی/انگلیسی/فرانسه	عنوان ۱۵	فرانسه
عنوان ۴	انگلیسی/فرانسه	عنوان ۷	فارسی/آذری
عنوان ۲۵	چند زبانی	عنوان ۸	فارسی/آشوری
عنوان ۲۳	متفرقه	عنوان ۱	فارسی/ارمنی
		عنوان ۱	فارسی/ترکمن

در ردیف لهجه‌های محلی و زبانهای اقلیت‌های مذهبی، ارمنی با ۵۲ عنوان مقام اول را داراست. بقیه به ترتیب اینطور ردیف می‌شوند: آذری ۲۱ درصد کردی ۲۰ درصد و آشوری چهار درصد.

اشغال ایران در سالهای جنگ جهانی دوم و جایگزینی زبان انگلیسی به عوض فرانسه در دبیرستانها اثراتی در مطبوعات بوجود آورد. در دوره‌های اول تا سوم یعنی تا زمان اشغال ایران مجموعاً هشت نشریه به فرانسه و يك عنوان به انگلیسی

داشته‌ایم. در دوره آخر گروه‌بندی تعداد مطبوعات فرانسه‌زبان از چهار عنوان هم تجاوز نمی‌کند، حال آنکه به زبان انگلیسی بالغ بر ۲۷ می‌شود. و هرگاه نشریات فارسی/انگلیسی یعنی ۴۵ عنوان همان دوره را هم در حاشیه منظور کنیم، از تفوق زبان مزبور بر سایر السنه آگاه‌تر می‌شویم. ناگفته نمی‌توان گذارد که زبان روسی در مطالعه آماری ما تغییری به پیش نداشته و در همان حد يك و دو عنوان دست‌وپا زده است.

از حیث محل انتشار، مجموعاً در ۵۶ شهر کشور، که از پایتخت شروع می‌شود، نشریه‌ای به چاپ رسیده است. این پنج‌جاه و شش شهر با توجه به موقعیت جغرافیائی به این نحو تقسیم می‌شوند: شمال ۱۷، جنوب ۱۰، شرق هشت و غرب نه شهر. مرکز کشور شامل پایتخت و استان مرکزی و اصفهان ۱۲ شهر.

پنج دوره مطبوعاتی را از نظر محل انتشار که نگاه کنیم تفکیک آماری به این صورت درمی‌آید: دوره اول هشت، دوره دوم ۲۵، دوره سوم ۲۴، دوره چهارم ۵۴ و دوره آخر ۳۱ شهر. جمع این ارقام را با ۵۶ اشتباه نکنید. چرا که تعدادی از شهرها تکراری است. زیرا ممکنست يك نشریه در يك محل تعطیل شده و بلافاصله در يك شهر دیگر به انتشار ادامه داده باشد.

افزایش تعداد شهرها در دوره دوم نسبت به دوره پیش آن امری طبیعی می‌نماید. اما قابل‌ملاحظه است که در دوره سوم یعنی سالهای ۲۰-۱۳۰۰ يك شهر کم می‌شود. در دوره چهارم علیرغم جنگ جهانی دوم و مشکلات سالهای بلافاصله بعد آن، ابزار چاپ توسعه می‌یابد و تعداد شهرهای مورد نظر ما يك افزایش دوپست و سی‌درصدی را نشان می‌دهد. در دوره پنجم با اینکه وسائل و تکنیک چاپ توسعه و تکامل بیشتری داشته، معذک برای دومین بار شاهد بیش از چهل‌درصد قوس نزولی در رقم مربوط به شهرهای محل انتشار هستیم.

صحبت از تعداد روزنامه‌های جدید در هر سال مفصل می‌شود و از عهده این رساله خارج است. فقط به تعداد آنها در هر دهه می‌پردازیم. طی هفتاد سال اول قرن

سیزدهم کلاً ۵۲ عنوان و ارقام مربوطه برای دهه‌های بعد به این قرار است: ۱۹:

دهه ۱۲۸۰	عنوان ۲۸۴	دهه ۱۳۲۰	عنوان ۱۴۹۷
دهه ۱۲۹۰	عنوان ۲۲۲	دهه ۱۳۳۰	عنوان ۱۱۵۰
دهه ۱۳۰۰	عنوان ۴۹۶	دهه ۱۳۴۰	عنوان ۳۴۹
دهه ۱۳۱۰	عنوان ۹۹	دهه ۱۳۵۰ (۲۰)	عنوان ۲۲۷

ارقام بالا از نظر دوره‌های مطبوعاتی کم و بیش می‌شود. ازدیادها تابع هیجانات سیاسی کشور و کاست‌ها نتیجه «مصالح» دولت. کما اینکه تناسب ازدیاد ملایم و تدریجی آغاز روزنامه‌نگاری تا نیمه اول دهه ۱۲۸۰ ناگهان به سبب وقایع مشروطیت تندی می‌گیرد. درحالی‌که در سالهای ۸۴-۱۲۸۰ در مجموع ۱۷ روزنامه جدید براه می‌افتد در سال ۱۲۸۵ به تنهایی این رقم به ۹۸ عنوان می‌رسد. از این پس به مدت هفت سال سیر نزولی در پیش است تا سال ۱۲۹۲ که در ۱۱ عنوان توقف می‌نماید.

اما بار دیگر قوس بالا می‌رود و در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ خود را به نیمه‌راه رکورد دوران تحقق مشروطیت می‌رساند. در سه سال ۴-۱۳۰۲ تعداد عناوین جدید مطبوعات به ترتیب ۸۰ و ۵۸ و ۶۷ است.

از سال ۱۳۰۵ مسیر نزولی تند می‌گردد. چرا که سال به سال هم از تعداد مطبوعات در حال انتشار می‌کاهد و هم از نشریات جدید کمتر اثری به چشم می‌خورد. این روند کاهش‌زا ادامه دارد تا سال ۱۳۱۸ که حد نصاب در حداقل رسوب می‌کند. در این سال فقط دو عنوان جدید مطبوعاتی داشته‌ایم.

فرارسیدن حوادث شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط نیروهای انگلیس و شوروی و بعد امریکا بازار مطبوعات را داغ می‌کند. چنانکه در نیمه اول دهه آن ۷۴۳ عنوان نشریه بر فهرست مطبوعات افزوده می‌شود. تخلیه تدریجی خاک وطن از قوای دولتهای متجاوز بازار مطبوعات را به سردی نمی‌گرایاند. زیرا وقایع مختلف داخلی که مسئله نفت، خلعید از انگلیسیها و ملی شدن نفت در رأس همه، تا اواخر مرداد ۱۳۳۲ علاقه و توجه مردم را به سرنوشت خود و هیجانات سیاسی برمی‌انگیزد. انعکاس را در مندرجات مطبوعات و در تعداد عناوین می‌یابیم. چنانچه فقط در هفت سال ۱۳۲۶ بی‌محدود ۱۷۱۸ عنوان جدید از چاپخانه بیرون آمد.

برای دوازده سال بعد از شهریور ۲۰ رکورد تازه و بی‌سابقه‌ای از عنوان‌ها بدست داریم که بالغ بر ۲۶۸۲ است. و هرگاه از یاد ببریم که جمع عناوین از آغاز امر تا پایان سال مورد بحث ما ۴۳۷۶ است به راحت درمی‌یابیم که ۵۶ درصد کل مطبوعات ۱۴۲ ساله را نشریات همین یک‌دوجین سال تشکیل می‌دهند.

در ربع‌قرن ۵۷-۱۳۳۲ نیز سقوط داریم. تعداد عنوانهای جدید همدوش مطبوعات در حال انتشار کاستی می‌گیرد. قابل تأمل آنکه فصل تازه‌ای در تاریخ مطبوعات برای خود جا باز می‌کند... انتشارات دولتی و مؤسسات تابعه آن. این‌گونه نشریات بی‌سابقه نبود و بحث کلی آن، که خیلی حرفها هم دارد، از این مطالعه که به جنبه‌های آماری نگاه می‌کند به دور است. ولی به ذکر این مقایسه نمی‌توان نپرداخت که درحالیکه مثلا در سال ۱۳۲۵ سه نشریه جدید دولتی داشتیم در سال ۱۳۵۰ این رقم به ۴۶ رسید. در سال ۵۶ فقط ۲۷ عنوان جدید به فهرست مطبوعات افزوده شد که همگی در ردیف نشریات دولتی و مؤسسات تابعه آن می‌ایستند. مهمتر آنکه جمع کل نشریات دولتی از دوره اول تا آخر دوره پنجم ۶۲۱ عنوان بوده، حال آنکه در دوره پنجم به تنهایی ۴۶۳ عنوان. البته بیش از سی درصد آن در ردیف نشریات دانشگاه‌ها و مدارس عالی می‌نشینند.

اماراجع به مطبوعاتی که ایرانیان خارج از کشور انتشار داده‌اند. این‌ها جا و شخصیت مخصوص بخود را در تاریخ ما دارند. هر زمان که اختناق در داخل از حد فزونی می‌گرفت تعداد اینگونه روزنامه و هفته‌نامه بیرون‌مرزی قوس به بالا پیموده و مندرجات آنها در مجموع راهنمای سیاسی مردم درون‌مرزی بوده‌است. دو نمونه بارز از این امر داریم. یکی مربوط می‌شود به جریان استبداد صغیر و دهه پیش از پایان قرن سیزدهم.

و دیگری شش سال اول دهه ۱۳۵۰ با پیش از پنجاه نشریه که با هدف واحد ولی جبهه‌های جدا از هم در خارجه انتشار داشت.

تعداد کل مطبوعات خارج از کشور برابر آرشیوم ۱۵۱ عنوان است، که از نظر آمار ۳۵٪ کل مطبوعاتمان را تشکیل می‌دهد. اما اثر همین سه و نیم درصد در بیداری مردم در طول تاریخ معاصر به مراتب بیش از داخلی‌ها بوده است.

کشورهائی که مطبوعات فارسی در آنها انتشار یافته به یازده می‌رسد. و عبارتند از: آلمان، امریکا، ایتالیا، پاکستان، ترکیه، روسیه (شوروی) عراق، عربستان، فرانسه، مصر و هند، که از نظر منطقه‌ای به این ترتیب جمع‌بندی می‌شود: اروپا ۱۲، آسیا هشت، خاورمیانه شش و امریکا دو. از یاد نبریم که هند کشوری پشمار است که نخستین روزنامه فارسی‌زبان در آن به چاپ رسید. و اگر از افغانستان کلامی به میان نیامده به آن دلیل که اگرچه زبانش فارسی است ولی روزنامه‌اش ایرانی نیست.

چا داشت موضوع تیراژ هم در این قسمت به میان آید. ولی ان را به مقاله‌ای جدا اختصاص داده‌ام که به حد کافی مورد بحث قرار گیرد. به دنبال این تحلیل کلی فرصت می‌یابیم به هریک از ادوار پنجگانه نگاه کنیم و مشخصات آماری آنها را جدا از هم به تجزیه پردازیم.

### دوره اول

دوره اول سالهای ۸۵-۱۲۱۵ را در بر می‌گیرد. نخستین روزنامه بسال ۱۲۱۵ انتشار یافت. هیجانی بپا کرد بین آنتهایی که تا به آن روز روزنامه ندیده بودند. اما مثل اینکه با فروکش کردن لوله اول اقبال عمومی محدود شد و به راه اندازنده روزنامه یعنی دولت را به انتشار بلافاصله نشریه دوم راغب نساخت. چهارده سال طول کشید تا مطالب روزنامه دوم بسال ۱۲۲۹ از در چاپخانه به داخل رفت. و باز هفت سال دیگر گذشت تا نوبت چاپ سومین نشریه رسید.

از آن پس کم و بیش سالانه يك تا سه عنوان روزنامه جدید انتشار یافت تا به دهه هشتاد می‌رسیم. و نخستین بپاخواهی همگامی... مشروطیت. اگر تا دیروز مردم کمتر روزنامه می‌خریدند و دولت آن را برای مقامات ارشد می‌فرستاد و آبونمان را از حقوقشان کسر می‌کرد و بهمین دلیل روزنامه «زورنامه» لقب گرفته بود، حال مردم مطبوعات مخالف استبداد را با میل ایتباع می‌نمودند. در صورتی هم که دولت به توقیف و تعطیل آنها می‌پرداخت، شبنامه‌ها را می‌خواندند و دست به دست یا سینه به سینه رد می‌کردند. چنین علاقه‌ای را مطبوعات دوره اول بنیان نهادند.

در این دوره ۶۹ عنوان روزنامه براه افتاد که ۲۳ عنوان خبری، ۱۳ عنوان سیاسی، نه عنوان فرهنگی، شش عنوان اجتماعی، چهار عنوان علمی/فنی، چهار عنوان ادبی/تاریخی، دو عنوان دینی، يك عنوان پزشکی و بقیه متفرقه محسوب می‌شوند.

در این دوره سوا از روزنامه‌های فارسی‌زبان، دو عنوان ارمنی، دو عنوان آشوری، یک عنوان آذری، دو عنوان فرانسه با چهار عنوان در ستون متفرقه داریم. شهرهای محل چاپ هم مانند تنوع زبان محدود است. در این دوره در نه شهر ایران روزنامه به چاپ رسید که تهران و تبریز با ۳۰ و ۱۲ عنوان در مقام اول و دوم، و رشت و شیراز هر کدام با یک عنوان در انتهای صف ایستاده‌اند. محدودیت ابتدائی بودن وسائل چاپ سرببی در این دوره سبب بود تعدادی از عناوین با چاپ‌های ژلاتین و سنگی بیرون آیند. چنانکه پنج روزنامه به روش اول و چهل عنوان با چاپ سنگی در اختیار افرادی قرار می‌گرفت که به مطبوعات دسترسی داشتند. ضمناً در طول این مدت فقط با ۵۵ اسم مؤسس و مدیر ذکر شده در مطبوعات آشنا می‌شویم.

### دوره دوم

دوره دوم (سالهای ۱۳۰۰-۱۲۸۵) دوره پر جلال مبارزات ملت‌را برای مشروطیت در بر می‌گیرد. و با توجه به امکانات هنوز محدود چاپ و توزیع می‌بینیم اهمیت روزنامه در سطح وسیع برای اولین بار به مردم و صدالبته به دولت ثابت شد.

در این دوره ۴۸۹ عنوان جدید به زیور چاپ آرامته گشت و افزایش در این پانزده سال هفت برابر هفتاد سال گذشته بود. به کلام آماری روزنامه‌های دوره اول ۱۲٪ عناوین دوره دوم بود. در پایان دوره که قرن سیزدهم نیز آخرین نفس‌های خود را می‌کشید: طی هر دو دوره مجموعاً ۵۵۸ عنوان به چاپ رسیده و مطبوعات جای خود را در تقریباً کلیه شئون باز کرده بودند.

دوره مورد بحث را از نظر تفکیک سبک و مندرجات به این شرح می‌یابیم:

عنوان	سیاسی	عنوان	۲۸	اجتماعی
عنوان	علمی/فنی	عنوان	۳۱	ادبی/تاریخی
عنوان	فرهنگی	عنوان	۳	اقتصادی/مالی
عنوان	فکاهی	عنوان	۶	پزشکی/بهداشتی
عنوان	کشاورزی	عنوان	۳	حقوقی/قضائی
عنوان	متفرقه	عنوان	۱۵۳	خبری
عنوان		عنوان	۱۱	دینی

در این دوره بود که با شروع تحزب، جمعیت‌ها و احزاب ارگان‌های مطبوعاتی پیا داشتند. بطوری‌که تعداد مطبوعات ارگان احزاب و انجمن‌ها به شش‌رسید، منهای آن دسته از روزنامه‌ها که غیررسمی و غیرمستقیم از هریک از آنها جانبداری می‌کردند و به قول امروز سمیات بودند.

زبان مطبوعات هم همانند تعداد آن، از تنوع بیشتر برخوردار گردید. نه فقط زبانهای عربی، انگلیسی و عبری برای خود جا باز کردند، بلکه مطبوعات دوزبانی



تعداد و تنوع افزون نشان دادند. نمودار گروه زبان به این ترتیب جلوه می‌کند: ارمنی ۱۶ عنوان، آذری شش، آشوری و فرانسه هر کدام دو، عربی، عبری و انگلیسی هر کدام یک عنوان. دوزبانی‌ها نیز به این شرح: فارسی/آذری سه. فارسی/فرانسه سه. فارسی/عربی، فارسی/ارمنی، فارسی/عبری، فارسی/انگلیسی و فارسی/روسی هر کدام یک. متفرقه هم چهار عنوان.

طی دوره اول در نه شهر روزنامه چاپ شد. در دوره دوم این رقم به ۲۵ افزایش یافت یعنی ۲۷۷ درصد. تهران و تبریز کماکان مقام‌های اول و دوم را حفظ کردند و شهرهای جدیدی چون یزد، محمدره (خرمشهر) اردبیل و کسما (گیلان) در ردیف تازه‌واردها جا گرفتند.

اگرچه بر تعداد چاپخانه‌ها در طول این مدت اضافه شد ولی چاپ‌های ژلاتین و سنگی هنوز به میزان قابل‌ملاحظه متداول بود. چنانچه عنوانهای با نوع اول ۱۲ و با روش دوم یعنی چاپ سنگی بالغ بر ۷۶ بود. با افزایش مطبوعات عده آنهایی هم که به سلك مؤسس و مدیر درآمدند بالا رفت و به ۵۷۶ نفر رسید. به کلامی دیگر، بیش از ده برابر دوره پیش.

### دوره سوم

مطالعه آماری دوره سوم (سالهای ۲۰-۱۳۰۰) باید با یک مقدمه کوتاه شروع شود. چرا که چهار سال اول آن شاهد یک دوره بحران سیاسی، منتج به انتقال قدرت از یک سلسله سلطنتی به سلسله‌ای دیگر بود. به حدت امر می‌افزاید موضوع جمهوری که برای اولین بار در تاریخ مطبوعات ایران در حد وسیع مطرح می‌گردد و بازار بحث و فحص را گرم می‌سازد.

در پنج سال ۴-۱۳۰۰ سیصد و چهل و چهار عنوان تازه به مطبوعات افزوده شد. که نصاب آن با ۸۰ عنوان به هر یک از دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ تعلق گرفت. اهمیت مطبوعات در سطح کشور برای دومین دفعه نمودار گردید و مطبوعات به قول معروف امتحان خود را دادند. ولی قبولی در این امتحان عکس‌العملی را بلافاصله پس از انتقال قدرت باعث شد. اختناق سیاسی گلوی مطبوعات را بیش از هر قسمت و تأسیس دیگر فشرده و روزنامه‌ها و مجلات معدودی را هم که انتشار داشتند متدرجاً به مطالب سرگرم‌کننده، رمانهای پاورقی و مسائل ساده اجتماعی محدود ساخت. گویی حوادث سالهای قبل از جنگ جهانی دوم اصلاً روی نمی‌داد تا در روزنامه‌های ما مورد تفسیر قرار گیرد و ایرانیان را با جریانات سیاسی روز آشنا سازد.

درحالیکه طی پانزده سال دوره دوم ۴۸۹ عنوان جدید به فهرست مطبوعات اضافه شده بود، طی شانزده سال ۲۰-۱۳۰۴ در پی توقیف و تعطیل تدریجی عنوان‌های سابق، به استثنای دو سه تا، فقط ۲۵۱ عنوان جدید تحت مقررات تازه بوجود آمد. رقم ۱۹۵ عنوان روزنامه و هفته‌نامه سیاسی در دوره دوم به ۵۹ عنوان در دوره سوم نزول کرد که تازه بیش از ۸۵٪ آن به چهار سال اول قرن تعلق داشت.

در طول این بیست سال مطبوعات از نظر سبک به این ترتیب قابل تقسیم اند:

اجتماعی	۸۵	عنوان	سیاسی	۵۹	عنوان
ادبی/تاریخی	۵۷	عنوان	علمی/فنی	۱۳	عنوان
اقتصادی/مالی	۱۷	عنوان	فرهنگی/آموزشی	۳۱	عنوان
پزشکی/بهداشتی	۱۶	عنوان	نکاهی	۲۱	عنوان
حقوقی/قضائی	۶	عنوان	کشاورزی	۴	عنوان
خبری	۲۲۳	عنوان	هنری	۳	عنوان
دینی	۲۹	عنوان	متفرقه	۴۵	عنوان

به این ردیف علاوه می‌کنیم ۱۳ عنوان که ارگان احزاب و جمعیت‌های پیش از سال ۱۳۰۴ بودند. چرا که بعد از آن حزب‌بازی ممنوع شد و یکی دو گروهی هم که می‌خواست تشکیل گردد در نطفه خفه شد.

تنوع زبان در مطبوعات نیز کاستی گرفت. به این ترتیب: ارمنی ۱۴، فرانسه چهار، انگلیسی یک، فارسی/عربی و فارسی/فرانسه هرکدام سه. فارسی/عبری و فارسی/روسی هرکدام دو، فارسی/آذری، فارسی/آشوری و فارسی/انگلیسی هرکدام یک. و هفت عنوان متفرقه.

از تعداد شهرها در این دوره کاسته شد. نکته مهم اینجاست که مطبوعات منتشره در تهران بی‌قاعده فزونی گرفت و به همان نسبت از شهرستانها کاست و به ۲۴ تقلیل یافت. چنانکه مطبوعات پایتخت از ۲۱۷ عنوان در دوره پیش به ۳۶۶ در این دوره بالغ گردید و متقابلاً مطبوعات شهرستانها که ۳۰۲ بود به ۲۰۴ عنوان پائین آمد. به علاوه، تبریز که در هر دو دوره قبل، بعد از تهران مقام اول را داشت به مقام چهارم تنزل کرد و بعد از مشهد، اصفهان و شیراز ایستاد. مشهد با ۳۴ و اصفهان و شیراز هرکدام با ۳۲ عنوان مقامهای اول تا سوم را حائز شدند.

زیادتر شدن چاپخانه و توسعه وسائل چاپ، به حکم روز، از تعداد روزنامه با چاپ ژلاتین و چاپ سنگی کاست. بطوریکه در این مدت روزنامه با چاپ ژلاتین نداشتیم. چاپ سنگی، آنهم در دهه ۱۳۰۰ به چهارده عنوان تقلیل پیدا کرد و از سال ۱۳۱۰ بعد دیگر هیچ نشریه‌ای به این دو روش به چاپ نرسید: به استثنای یکی که بسال ۱۳۱۲ در یزد به روش سنگی چندشماره‌ای بیرون داد.

تعداد اسامی مؤسس و مدیر و سردبیر ذکر شده در مطبوعات به مرز ۵۳۴ رسید و برای اولین بار در یک دوره، اسم اول را با نام خانوادگی می‌بینیم و چون گذشته به رسم روز فقط به مثلاً «میرزا عبدالحسین‌خان» قناعت نشده‌است.

موضوعی به نام انجمن مطبوعات که در دوره‌های اول و دوم نکته قابل تأملی درباره‌اش نداریم در دوره سوم هم با بی‌اعتنائی اجباری مواجه بود. بهتر است گفته شود اوضاع روز به «اریاب جراید» اجازه نمی‌داد در این امر فکر کنند. چند گروه معدود از مدیران گردهمائی‌هایی داشتند که «انجمن ادبی...» تلقی می‌شد. آنتهایی که به شعر و شاعری علاقمند بودند با هم می‌نشستند، شعری می‌خواندند و حوالی

می‌کردند. آنهایی هم که اهلش بودند به کارچاق‌کنی می‌پرداختند! «انجمن مطبوعات» از این چارچوب فراتر نرفت و انجمن‌های ادبی چه‌بسا دیوان اشعار اعضاء را چاپ کردند و خودی نشان دادند.

### دنباله دارد

۱- سالهای ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی.

۲- بنا بر آرشيو ملی هند در دهلی نو يك روزنامه فارسی به نام «جام جهان‌نما» از هشتم فروردین ۱۲۰۱ ش برابر با ۲۸ مارس ۱۸۲۲ م در کلکته چاپ سنگی منتشر می‌شده است. این امر در «کتابخانه شرقی» شهر لایپزیک به شماره ۱۸۳۱ مورخ سال ۱۸۴۵ م نیز ثبت گردیده است. دانستنی است که جام جهان‌نما اول به زبان هندوستانی منتشر شد. ولی مورد استقبال قرار نگرفت. زیرا در آن زمان فارسی، زبان رسمی و متداول در شبه‌قاره هندوستان بود و انگلیسی‌ها شروع کرده بودند به زور این زبان را کنار بزنند. معذک روزنامه مزبور از تاریخ ذکر شده به فارسی درآمد. مدیر این روزنامه «الاسواسوک» از هندوهای فارسی‌دان و دانشمند اهل میرزاپور بود. و چند ایرانی فاشناس در انتشار روزنامه با وی همکاری می‌کرده‌اند. نام مدیر مزبور متأسفانه در بعضی از کتب درباره مطبوعات به اشتباه ثبت شده است.

۳- اولین روزنامه‌ای که به امر مستقیم يك پادشاه توقیف و تعطیل شد به زبان فرانسوی، چاپ تهران، بسال ۱۲۵۴، به نام «لاپاتری» به معنی میهن بود، به مدیریت يك نفر فرانسوی ملقب به «بارون دو نورمن». چنین ثبت شده است که وقتی سرمقاله نخستین شماره آن برای ناصرالدین‌شاه قاجار خوانده و ترجمه شد، وی را به سبب صحبت و دفاع از آزادی خشم گرفت و دستور نابودی نسخه چاپ شده و تعطیل روزنامه را صادر کرد.

۴- روزنامه مهرايران.

۵- «تاریخ جراید و مجلات ایران» محمد صدر هاشمی. چهار جلد. چاپ اصفهان. سالهای ۱۳۲۷-۳۲.

۶- «سیری در مطبوعات ایران» مسعود برزین. چاپ تهران. سال ۱۳۴۴ و «مطبوعات ایران ۱۳۴۳-۵۳» همان مؤلف. از انتشارات بهجت. سال ۱۳۵۴ تهران.

۷- تمام تاریخ‌های ذکر شده به شمسی است. برای تبدیل سال قمری نشریات پیش از سال ۱۳۰۰ از «جداول تطبیقی سنوات» تألیف وستنفلد و مالرشه چاپ ویسبادن بسال ۱۹۶۱ م به زبان آلمانی کمک گرفته شده است.

۸- چهار هزار و سیصد و هفتاد و شش عنوان برابر آرشیوم. ضمناً حدود ۲۱۰ عنوان که فیش آنها کامل نیست در آمارها منظور نگردیده.

۹- چندین نشریه فقط به چاپ طلبه موفق شدند و هیچگاه به سلك مطبوعات درنیامدند. از جمله «صدای جنوب» در شیراز بسال ۱۲۹۹، «جنش» در اصفهان که طلبه‌اش بسال ۱۳۰۴ انتشار یافت، و «طبرستان» در بارفروش (آمل) بسال ۱۳۰۹.

۱۰- تا پیش از سال ۱۳۰۴ هرگاه روزنامه‌ای توقیف می‌شد مراتب را يك یا چند روزنامه دیگر منعکس می‌ساختند. اگر می‌خواستند لطف بیشتری کرده باشند شکوائیه مدیر را هم منتشر می‌نمودند. چنین روشی در سالهای ۲۰-۱۳۰۵ به حداقل رسید و خبر توقیف بخصوص در سالهای اخیر دوره به‌ندرت چاپ می‌شد زیرا به نظر دولت مردم نباید آگاه می‌شدند که نشریه‌ای از طرف

او توقیف گردیده و در محاق تعطیل افتاده است.

وضع در دوازده سال ۳۲-۱۳۲۰ شکلی تازه به خود گرفت، و «جانشین‌بازی» لقب یافت. هرگاه يك روزنامه توقیف می‌شد، فردا همان روزنامه با عنوانی دیگر به دست مردم می‌رسید. به این ترتیب که کلیشه سرلوحه روزنامه توقیف شده بهمان شکل و قطع در نیمه بالای صفحه روزنامه جانشین به‌چاپ می‌رسید و دو کلمه «توقیف است» به آن اضافه می‌گشت. چه‌بسا شماره ردیف روزنامه اول به دومی داده می‌شد و مطالب و حتی مندرجات دنباله‌دار ادامه می‌یافت. از این نمونه بسیار داریم که کابینه‌های وقت را به قول مطبوعاتیهای آن زمان «بیچاره» می‌کرد. چه پیکیربیا و بزق و بیندها از طرف دولت که انجام نشد، ولی نتیجه‌ای حاصل نیامد. گاه روزنامه دوم هم توقیف می‌شد و روز بعد سومین روزنامه بهمان ترتیب ظاهر می‌گشت. در مورد بعضی از روزنامه‌ها جانشین‌بازی به بیش از ۱۵ بار هم رسید. تا این وقت دیگر جریان پرونده توقیف روزنامه اصلی تمام شده و خودش به چاپ می‌رسید و در دسترس خوانندگان عزیز قرار می‌گرفت. در ضمن یادمان باشد گاه صاحب‌امتیاز روزنامه جانشین از اینکه عنوانش مورد استعاده یا سوء استعاده واقع شده خبری نداشت.

۱۱- میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر روزنامه سیاسی صوراسرافیل.

۱۲- محمودخان اشرفزاده مدیر روزنامه فروردین.

۱۳- میرزا علی آقا شیرازی ملقب به لیب‌الملک مدیر هفته‌نامه مظفری.

۱۴- محمد مسعود قمی مدیر هفته‌نامه پر هیاهوی مرد امروز بسال ۱۳۲۶ تهران.

۱۵- جمع این دو رقم با کل مطبوعات منتشره نمی‌خواند و بیشتر است. زیرا زیاد بودند نشریاتی که شکل انتشاراتی خود را تغییر داده از روزنامه به مجله یا بالعکس درمی‌آمدند. لذا در هر دو فهرست جا گرفته‌اند. مثل بازارگاد چاپ شیراز که مدتی صورت روزنامه داشت و زمانی شکل مجله.

۱۶- برای مثال چند عنوان یاد می‌شود. «جریده صباح» چاپ کرمانشاه بسال ۱۲۹۹.

«جریده الروح» چاپ تهران بسال ۱۳۰۴ و «جریده نگارستان» چاپ کرمان بسال ۱۳۰۹. جالب آنکه هر سه این مثالها اتفاقاً با کلمه جریده شروع می‌شوند، اما در سالها و شهرهای مختلف.

۱۷- هفته‌نامه نشریه‌ای است که در شکل و هیئت روزنامه مینماید اما يك شماره در هفته

منتشر می‌شود.

۱۸- این ارقام مربوط است به تعداد روزنامه/مجله‌ای که در هر سال آغاز به انتشار کرده و نه مطبوعاتی که در هر سال در حال انتشار بوده‌اند. مهم آنکه اکثریت خیلی زیاد آنها در ردیف نشریاتی نشسته‌اند که چه‌بسا فقط يك یا دو شماره بیرون آمده‌اند. از این‌رو متوسط عمر روزنامه‌های ما پایین است. از کل مطبوعات، دو روزنامه به مرز پنجاه سال رسیدند. یکی روزنامه کوشش بود که از سال ۱۲۹۹ ظاهر گشت و کم و بیش تا سال ۱۳۵۳ خود را گشاند. دیگری روزنامه اطلاعات که سال ۱۳۰۵ تأسیس یافت و هنوز هم به چاپ می‌رسد. شماره ردیف اطلاعات در پایان سال ۵۶ شمسی ۱۵۵۶۵ بود. از نظر ادامه مرتب جا دارد از روزنامه ارمنی‌زبان «آلیک» چاپ تهران هم یاد شود که از سال ۱۳۱۰ شروع شد و انتشار آن تا به امروز ادامه دارد.

۱۹- در این رساله پایه اصلی ارقام تعداد عناوین منتشره در نمودار سالها (و دهه‌ها) است. اگر ملاحظه می‌کنید جمع بعضی ستونها با هم برابر نیست از این جهت است که اولاً يك نشریه ممکنست هم سیاسی باشد و هم اجتماعی، یا هم ادبی باشد و هم علمی. ثانیاً تعدادی از آنها نه فقط روش عوض کرده‌اند، بلکه مدتی در يك شهر انتشار داشته و بعد به شهری دیگر رفته‌اند.

۲۰- این دهه فقط تا آخر سال ۵۶ منظور نظر است.